

گرسنگان میلیونی در ایران سر افکندگی دولت "امید!"

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
hekmatist.com

یک پیروزی!

صفحه ۳



جانان دیروز، معتدل های امروزی (درحاشیه بیانات اخیر یونسی)

سهند حسینی

یکی از معدود پدیده هایی که می توان در تاریخ مبارزه طبقاتی و آزادیخواهانه دید رنگ عوض کردن قاتلین، آدمکشها و جانپانی که در دوره های مشخص تاریخی در به خاک و خون کشیدن و سرکوب هر نوع آزادیخواهی سنگ تمام را گذاشته اند و تبدیل شدندشان به "منتقدین نظام" و مسخره تر از آن ادعای "چهره"، "شخصیت" و "نماینده" اعتراض و نارضایتی مردم و حتی اپوزیسیون است.

انقلاب ۵۷ ایران، عروج و افول و سرکوب آن حداقل نمونه معاصر، زنده و حی و حاضر چنین پدیده ای است. کسی نه می تواند انقلابی با چنان عظمتی را فراموش کند و نه سرکوب و به خاک و خون کشیدن آنها از یاد ببرد. ضد انقلاب اسلامی توانست به دست جانپانی مثل خمینی، رفسنجانی، خامنه ای، خلخالی، بنی صدر، موسوی، یونسی و احمدی نژادها در یک روند چندساله و به ضرب به راه انداختن هالوکاستی که در آن بهترین و عزیزترین انسانها را به خاک و خون بکشد انقلابی که برای آزادی، رفاه و سعادت بود را به خون کشیدند. اما طنز تلخ و شاید غیر قابل تصور این بود که بخش اعظمی از همین جانپان در دوره هایی، بر متن خفقان مطلق و بر متن تنگنای جامعه، برای نجات رژیم شان به چهره های "دگراندیش"، "منتقد"، "معتدل" و "اصلاح طلبی" تبدیل شدند که ظاهرا رسالت رساندن صدای اعتراض و نارضایتی مردم به دنیا و حتی بهبود در زندگی مردم را، البته در چارچوب جمهوری اسلامی، به عهده دارند. و یا دقیق تر این است که بگویم تلاش کردند چنین تصویری از خود به جامعه نشان دهند. عناصر فعال جناح های مختلف جمهوری اسلامی، مهره های اصلی که در سرکوب و به خاک و خون کشیدن انقلابیون نقش اصلی را

صفحه ۳



هجوم کرکس ها!

مظفر محمدی

اقتصاد ایران همچون لاشه ای افتاده است. کار به جایی رسیده که دولت امید و اعتدال برای مردم گرسنه در خیابان ها خوراکی پرت می کند. این دیگر نهایت گندیدگی اقتصاد در جمهوری اسلامی و پاسداران سرمایه است که اهانت و بی حرمتی به مردم را به اوج رسانده اند. تف به این بی شرمی!

همزمان لاشخورهای بین المللی بر سر جنازه ی گندیده ی اقتصاد ایران هجوم آورده اند. کرکس ها بو کشیده اند تا با تزریق خون سرمایه هایشان، جنازه را سر پا کنند و از قبل کار ارزان و کارگرانی

صفحه ۲

ثربا شهابی

در ایران یک "حماسه اقتصادی" بدنبال "حماسه سیاسی" انتخاب پرزیدنت روحانی، براه افتاده است! کوه نه موش که شپش زانید! روحانی اعلام کرد که از منابع مالی بین المللی آزاد شده ایران، از خوان گسترده برکات "جامعه مدنی" و از منابع عظیم مالی دولت، چیزی در سفره گرسنگان میاندازد! او سرکیسه را شل کرد و اعلام کرد که بر طبق الطاف ملوکانه ایشان، هر کسی که ماهانه کمتر از ۵۰۰ هزار تومان (معادل کمتر از ماهانه بیست دلار) درآمد دارد، "سبدکالا" دریافت میکند و بقیه فقرا فعلا در انتظار بمانند!

از این هم کمتر! طبق اظهارات خود مقامات مسئول، بخش بسیار کوچکی از فقیر ترین اقشار تحتانی مردم شامل این "ریخت و پاش" رئیس جمهور میشوند. و یازده میلیون کارگری که مشمول تعریف فقر مطلق با درآمد ماهیانه کمتر از ۵۰۰ هزار تومان هم میشوند، از "خوان نعمت" دولت اصلاحات بی نصیب خواهند ماند! و این سبد عملا تنها در دامان سه و نیم میلیون کارگر می افتد. البته اگر ریخت و پاش و بخور بخور مقامات مانع نشود و همه امور اجرایی به خوبی پیش برود، این سبد نه ماهانه که فصلی و چهار بار در سال پرداخت خواهد شد!

فی الحال جمعیت وسیعی از اقشار فوق تحتانی جامعه را در صف های طویل در انتظار نگاه داشته اند، و جمعیت میلیونی وسیعی از کارگرانی که این "بخشش" نصیب آنها نمی شد، را به

صفحه ۴

کارگران جهان متحد شوید

هجوم کرکس ها!

که کمرشان زیر بار دستمزد ناچیز و بی قانونی محض و بیکاری میلیونی خم شده، سود نجومی کسب کنند.

این کار را دیروز در یونان، پرتغال، اسپانیا و ... کردند. در این کشورها، لاشخوران به شرط چاقو، سرمایه های رنگین به خون طبقه کارگر را به جان بی رمق هم طبقه ای های مفلوک خود، تزییق کردند، به شرطی که از خدمات دولتی و بیمه های اجتماعی و درمانی کارگران و مردم محروم و بازنشستگان بزنند.

و امروز نوبت ایران است. دولت امید و اعتدال روحانی بحق، نقطه امید بورژوازی ایران و سرمایه های بورژوازی جهانی شده است.

آیا از هجوم کرکس ها به ایران چیزی نصیب طبقه کارگر می شود؟ آنچه که عیان است، از زاویه منفعت بورژوازی، قرار نیست دستمزد کارگر به نسبت تورم و گرانی افزایش یابد. قرار نیست به میلیون ها کارگر بیکار بیمه ی بیکاری مکفی داده شود. لشکر بیکاران باید باشند تا به کارگر شاغل بگویند، خدا را شکر کن، ببین چقدر آدم بیکار بیرون منتظرند! شکرگذار باشید که، نفس شغل بهر قیمت و بخور و نمیر خود موهبتی است که سرمایه داران به کارگران شاغل مرحمت کرده اند...

اما نه دولت امید و نه امید به سرمایه گذاری های بورژوازی جهانی، هیچکدام امیدی برای بهبود معیشت طبقه کارگر نیست. سرمایه جهانی از سر دلسوزی برای طبقه کارگر شاغل و بیکار به ایران سرازیر نمی شود. کرکس ها به شرط نگه داشته شدن کار ارزان و کارگر خاموش، بشرط نگه داشتن لشکر بیکاران بدون بیمه ی بیکاری مکفی، بشرط زدن سوبسیدها و خدمات و بیمه های درمانی و اجتماعی و به شرط فروش کالاهایشان به قیمت بالا، سرازیر شده اند.

اکنون در تهران، بانک دارها، تجار و سرمایه داران دولتی و خصوصی پشت درهای بسته در حال چانه زنی بر سر سودهای نجومی و بر سر قیمت ارزان کار و رقم زدن سرنوشت طبقه کارگر اند. اما سرنوشت طبقه کارگر تنها در اتحادها و اتحادیه های کارفرمایان و سرمایه داران

تعیین نمی شود. یک سوی دیگر جنگ کار و سرمایه صف عظیم مزدبگیران در مراکز بزرگ صنعتی، در میان کارگران بخش خدمات و لشکر بیکاران است.

پاسخ طبقه کارگر آگاه از منافع طبقاتی خود به هجوم سرمایه ها به ایران، این خواهد بود که: آقایان و خانم ها، کور خوانده اید. درست است زمانی که شما تشریف فرما شدید، فرش بنفش زیر پایتان پهن کردند. در خیابان ها، جلو مردم نان پرت شد و آب از لب و لوجه تان سرازیر گردید و به خود و بهمدیگر گفتید، به به، این همانجا است که سود خوابیده است.

اما این تصویر واقعی جامعه ما نیست. پست فطرت هایی که اینچنین حرمت و کرامت انسان های فقیر را به شما می فروشند، در مقابل خود صف عظیمی از غول خفته ی پرولتاریای صنعتی را دارند که رهبران و فعالینش بخشا در زندان بسر می برند و بقیه، مدام توسط پلیس مخفی و علنی تهدید می گردند. اگر هنوز جنگ گرسنگان در خیابان ها آغاز نشده است، اما جنگ کار و سرمایه مدام در جریان است. جنگی که حتما برادرانتان در ایران از شما و از افکار عمومی بین المللی پنهان نگه داشته اند. حتما به عرضتان نرسانده اند که تشریف فرمایی شما با اعتصاب ۲ هزار کارگر معدن چادرملو و دستگیری بیش از ۳۰ فعال و رهبر و سازمانده شان مصادف است. ۲ هزار کارگر برای آزادی دبیر تشکیلاتشان و برای افزایش دستمزد اعتصاب کردند.

پاسخ طبقه کارگر آگاه به هجوم سرمایه داران بین المللی و داخلی همانی است که بارها در اعتصابات و بیانیه های رهبران کارگری اعلام شده است. مطالبات طبقه کارگر از سرمایه داران و دوات امیدشان و از تازه واردان سرمایه دار اروپایی و غیر اروپایی، افزایش فوری دستمردها به تناسب تورم، بیمه بیکاری مکفی به همه کارگران بیکار، لغو قوانین ضد کارگری از جمله قراردادهای موقت کار، آزادی بی قید و شرط اعتصاب، تشکل و تحزب کارگران، برسمیت شناخته شدن نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگری برای تعیین حد اقل دستمزد و حضور در مجامع بین المللی کار و ... است.

شکی نیاید داشت که اگر این مطالبات سر میز لاشخوران جدید قرار بگیرد، دشمنان را روی کول گذاشته و فرار می کنند. تنها تضمینی که بتواند آن ها را نگه دارد و فرار نکنند، تعهد دولت اعتدال جمهوری اسلامی به سرکوب این مطالبات و اعتصابات کارگری است. آیا این سرکوب برای سرمایه داران و دولت جدید مطلوب و محبوبشان کارساز خواهد بود یا نه، سوالی است که از هم اکنون روی میز فعالین و رهبران کارگری در مراکز بزرگ صنعتی و لشکر بیکاران قرار گرفته است. دور دیگر جنگ کار و سرمایه تازه آغاز می شود.

mozafar.mohamadi@gmail.com

www.mozafar-m.com

رادپو نینا
Radio Noena

رادپو نینا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹

شب به وقت تهران از طریق ماهواره

هاتبرد پفش میشود.

رادپو نینا را گوش دهید و آنرا به دوستان

و آشنایان خود معرفی کنید.

www.radioneena.com

Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A
13°

Frequency: 12597

POL: V

FEC: 3/4

Symbole rate: 27599

Audio PID: 2130

آزادی برابری حکومت کارگری

یک پیروزی!

اعتصاب بزرگ و هماهنگ بیش از ۲۰۰۰ کارگر معدن چادرملو، موفق شد که دبیر انجمن کارگران و کارگران اعتصابی دستگیر شده را آزاد کند. این پیروزی مهمی در مبارزات این دوره طبقه کارگر ایران است.

این پیروزی در حالی بدست آمد که قوه قضائیه جمهوری اسلامی و رییس آن، محسنی اژه ای، اعتصاب کارگران را مخل نظم عمومی قلمداد و تهدید کرده بود که با اعتراضات کارگری برخورد خواهد کرد. همچنین، مجلس اسلامی رژیم، با اظهار بی اطلاعی از اعتصاب کارگران، خود را از این "مخمسه" کنار کشیده بود.

این تجربه بار دیگر در مبارزه طبقاتی کارگران نشان داد که اعتصاب، سلاح قدرتمند طبقه کارگر در جنگ طبقاتی کار و سرمایه است. اعتصاب با شکوه کارگران معدن یک تجربه مهم کارگری دیگر را در خود داشت.

در حالی بهرام حسنی نژاد دبیر تشکل کارگران از پاییز گذشته اخراج شده بود، اما از آن زمان و تا کنون کارگران معدن اخراج یکی از فعالین و نمایندگان خود را برسمیت شناخته و زیر بار آن نرفتند.

کارگران و انجمن شان هیچ وقت دبیر تشکل شان را در مبارزه و اعتراضش به اخراج، تنها نگذاشتند. زمانی که کمیسیون دولتی بررسی شکایات حکم اخراج دبیر انجمن را تایید کرد، همه ی کارگران معدن دست از کارکشیدند. همچنین در تمام این مدت و در غیاب حضور دبیر انجمن، این تشکل را نمایندگان دیگرمنتخب کارگران هدایت و رهبری کردند.

در نتیجه، جمعبندی ای که کارگران از پیروزی تا کنونی خود دارند، عبارت است:

حزب حکمتیست این پیروزی را به کارگران معدن چادرملو تبریک می گوید. این پیروزی کل طبقه کارگر است. درسهای این اعتصاب و مبارزات، راهنمای پیشروی و پیروزی های دیگر و بیشتر طبقه کارگر است.

زنده باد اعتصاب
زنده باد اتحاد صفوف طبقه کارگر
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
بهمن ۹۲ (فوریه ۲۰۱۴)

- اعتراض و اعتصاب مکرر و پیگیری کارگران برای بازگرداندن نماینده خود بسر کار که هنوز در جریان است، پایان نیافته است.

- اعتصاب یکپارچه کلیه کارگران معدن را دربرگرفته بود، و به این و آن بخش محدود نبود.

جانان دیروز

توان در بطن چنین پروژه ایی بازخوانی کرد. تلاش یونسی برای لاپوشانی دخالتش در اعدامهای دسته جمعی و نسل کشی های کمونیستها و آزادیخواهان از چنین امیدی مایه می گیرد. اگر موسوی و کروبی و رفسنجانی این آدمکشان حرفه ایی می توانند به رهبر و شخصیتهایی تبدیل شوند که در موردشان شعر گفت، اگر به یمن خفقان مطلق و تنگای جامعه و بر روی شانه های جریاناتی مانند توده و اکثریت و لشکر بورژوازی ناراضی و روشنفکران بیمایه آنان، بنی صدر سرکوبگر مردم کردستان، موسوی نخست وزیر سالهای سرکوب، روحانی، رئیس شورای امنیت میتوانند سخنگوی اعتراض جامعه و حتی رهبر اصلاح و تغییر شوند، اگر قوه زن های سالهای ۶۰، گنجی و سروش میتوانند دگراندیش، ژورنالیست و محقق شوند، چرا

ایفا کرده اند، نمایندگان سیاه ترین دوره های حیات جمهوری اسلامی امروز دیگر به چهره های "اصلاح طلب" و "تازه دمکراتهایی" تبدیل شده اند و با انتقاد از "زیاده روی های" دوره های سیاه و کشتارهای دسته جمعی و قتل عامها، خود را از شرکت در آن جنایت و آدمکشی معاف و برائت میکنند.

تلاش برای اصلاح رژیم در بطن پروژه نجات جمهوری اسلامی، به طور قطع نیاز به تغییر چهره و تغییر رویکرد سیاسی و اقتصادی داشت. از "سردار سازندگی" و "سید خندان" و "سران سبز" تا همین "دولت اعتدال" امروزی و درجه موفقیت شان در کشاندن بخشی از جامعه به دنبال خود، را می

یونسی وزیر اطلاعات و مسئول دادگاههای صحرایی و دادگاههای انقلاب، نمیتواند از صف جانان قمه به دست به صف معتدل های فوکول کراواتی قلم به دست بپیوندد؟

اما برای جامعه ای که سی سال زیر خفقان مطلق زندگی کرده، برای زنانی که با زور اسید حجاب را بر سرشان کردند، برای کارگر کمونیست، برای فعال سوسیالیست و برای هرکسی که نمی تواند و نمی خواهد یک لحظه هم این تجربه تلخ و این کشتار و نسل کشی را فراموش کند، نمی تواند و اجازه نخواهد داد یونسی، موسوی و همه آن جانورانی که آدم کشند، قمه کشیدند و اسید پاشیدند با چیزی جز سمبل توحش و کشتار تداعی شوند. نام اینها در تاریخ جامعه ایران، در تاریخ مبارزه هر روزه زن، جوان، کارگر این جامعه با

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

گرسنگان میلیونی

خشم کشانده اند. منابع خبری از اجتماع وسیع مردم منتظر برای دریافت این سبد، تحت سرمای شدید و ازدحام جمعیت، موجی از خشم و ناامیدی کسانی که این سبد شامل حال آنها نمی شود، گزارش داده اند. گفته میشود که دو نفر در صف دریافت سبد کالا کشته شده اند. حماسه اقتصادی رئیس جمهور تا اینجا ایشان را ناچار کرده است که برای پاشاندن آب بر آتش خشم گرسنگان، از مردم به خاطر "اجرای بد طرح سبد کالا ها"، غذر خواهی کند.

گشاده دستی قابل توجهی است! مشاوران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آقای روحانی یا فاقد حجمه فعال اند و یا نسبت به توانایی شان در حاکم کردن سکوت گورستانی، بسیار متوهم. سبد حقارت آمیز کالاها، شامل یک کیلو و هشت گرم روغن نباتی، ده کیلو برنج، چهار کیلو گوشت مرغ، هشت گرم پنیر، و یک کیلو و هشت گرم تخم مرغ، برای سه و نیم میلیون کارگر، برای "کمک به معیشت" فقیرترین بخش جامعه برای مدت سه ماه، قرار است انتظار و توقع بالا طبقه کارگر از رفاه و زندگی را سرکوب کند. این "حماسه اقتصادی" قرار است آقای روحانی، نظام و سیستم شان را از خطر انفجار انتظارات بالا و انسانی جمعیت میلیونی طبقه کارگر ایران، که این حقارت را بصورت شان تف میکند، حفظ کند!

این مراسم، بازی با آتش است! اگر مثنی دگراندیش و روشنفکر مفلوک، از جمله آقای نگهدار و هم مسلکان سیاسی شان توانستند با دهل و سرنا "حماسه سیاسی" انتخاب روحانی را به اکثریت محروم جامعه ایران بعنوان انتخاب احسن قالب کنند، راه پیاده کردن حماسه اقتصادی جناب روحانی، مطلقاً هموار نیست. این را دستگاههای تبلیغاتی خود جناب روحانی، ولی فقیه، "بی بی سی" و "صدای آمریکا" و وزارت اطلاعات و طیف روشنفکران همیشه دست بسته در خدمت، به خوبی میدانند.

از این روست که پا به پای میدیای دستگاهی ایران، میدیای رسمی دول غربی که امروز روحانی نورچشم آنها هم هستند، دانش آموختگان و کارشناسان مدرسه اقتصاد و پول و سرمایه، هرکدام به نوعی در مورد مضرات این "سخاوتمندی"، تاثیر منفی آن بر گردش آزادانه کار و سرمایه در بازار، مشکل

"به بیکاری عادت دادن فقرا"، تحلیل پشت تحلیل و پروپاگاند پشت پروپاگاند، بالا میآورند و فضا را مسموم میکنند. انگل هایی که حتی تحمل پرداخت سه ماه یک بار چند کیلو مواد غذایی که کسی حق انتخاب آن را هم ندارد، آنهم تنها به بخش بسیار کوچکی از شهروندان به فقر و فلاکت کشانده شده را، ندارند!

این جامعه ای است که در آن قرار است مشکلات سرمایه گذاری حل شود! این جامعه ای است که قرار است در آن درآمد ماهانه بیست دلار مینای شایستگی برای برخورداری تامین اجتماعی با سبدهای محقری چون سبد آقای روحانی، باشد! این جامعه ای است که در آن صفی از دگر اندیشان دلفک دستگاهی به مردم وعده دادند که با سرکار آمدن روحانی، اصلاحات و رونق و بهبودی صورت خواهد گرفت. همه این ها، مردم مستاصل و گرسنه ای که به خاطر دریافت این سبد، حقارت در صف ایستادن و زیر فشار ازدحام له شدن را تحمل کردند، به نوعی مقصر اعلام میکنند.

جمعیت میلیونی مردم شریفی که عمری به فقر و نداری و فلاکت، به اعتیاد و فحشا و بیکاری و زندگی با درآمد های ناچیز ماهانه بیست دلار و سی دلار و صد دلار ناچار تن دادند، بیش از این تن نخواهند داد و ساکت نخواهند نشست. دلیل معذرت خواهی آقای رئیس جمهور، این واقعیت است. وگرنه ایشان با سربرافراشته از خروارها جرم و جنایت و قتل و آدم کشی های سیستماتیک شان، دهه ها مفتخر بوده اند! و این تازه آغاز کار است!

مشکلات آقای روحانی و جمهوری اسلامی "پاستوریزه"، تازه آغاز شده است. حماسه سیاسی روحانی به حماسه اقتصادی او وصل نخواهد شد. جنبش گرسنگان، در کمین نشسته است. طبقه کارگر با انتظارات و توقعات بالایش در میدان است.

اعتراض پشت اعتراض، به گرانی مسکن و همه کالاهای اولیه، به عدم پرداخت حقوق کارگر، به اخراج، به بیکاری، به دستگیری و به همه مشقاتی که از سرکول جامعه بالا میروند، اعتراضاتی که پشت آقایان را به لرزه انداخته است و از ترس آن کارگر اعتصابی را به جرم تحریک دستگیر میکنند، تازه آغاز شده است.

۷ فوریه ۲۰۱۴

جانیان دیروز

وحشیانه ترین سرکوب و کشتار گره خورده است. این را نمیتوان از ذهن جامعه پاک کرد. مردم و بویژه طبقه کارگر تردیدی ندارد که هر لحظه امنیت و منفعت این نظامی که چنین جانوران درنده ای را پرورش داده است، ایجاب کند دوباره همین تازه دمکرات و اصلاح طلبهای امروزی با سبعت تمام قتل عام و نسل کشی به راه خواهند انداخت.

برای کارگر کمونیست، فعال کارگری و انسان آزاده ای که در همین لحظه درگیر مبارزه برای بهبود زندگی خودش است. برای انسانی که آزادی می خواهد، برابری می خواهد و در تلاش ایجاد دنیایی است که برای هر انسانی که به چیزی جز حداکثر امنیت، رفاه و شادی رضایت نمیدهد، یونسی ها، روحانی ها و همه سران جمهوری اسلامی و عاملین کشتار سی و چند سال گذشته، عاملین جنایت علیه بشریت اند.

پرونده این سناریوی لیبرال و معتدل و مردمی کردن عاملین کشتار و سرکوب و مهره هایی که در قتل عام آزادیخواهان سنگ تمام گذاشته اند را باید ما کمونیستها و طبقه کارگری که هیچ منفعتی و مطلقاً هیچ منفعتی در شریک شدن در این سناریو را نداریم، یک بار برای همیشه بست.

برای هر فعال کمونیست و آزادیخواهی محرض است که هر لحظه امنیت و منفعت این نظامی که چنین جانوران درنده ای را تربیت و پرورش داده است دوباره همین تازه دمکرات و اصلاح طلبهای امروزی با سبعت تمام قتل عام و نسل کشی به راه خواهند انداخت. ما کمونیستها انتهای چنین سناریویی را هر لحظه هشدار داده ایم و به طور قطع این مسئله را باید جدی گرفت.

فوریه ۲۰۱۴

نشریه حزب حکمتیست
سر دبیر آذر مدرسی

حکمتیست
تماس با سردبیر:

azar.modaresi@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست:

hekmatistparty@gmail.com

www.hekmatist.com

حکمتیست هر دوشنبه منتشر میشود.
حکمتیست را بفهمنید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

زنده باد انقلاب کارگری